

135

دیوان داوری دعاوی ایران - ایالات متحدہ

CLAIMS TRIBUNAL

366-135

۲۲-۱۳۵

ORIGINAL DOCUMENTS IN SAFE

Case No. 366

Date of filing: 18 Feb 88

\*\* AWARD - Type of Award \_\_\_\_\_  
- Date of Award \_\_\_\_\_  
\_\_\_\_\_ pages in English \_\_\_\_\_ pages in Farsi

\*\* DECISION - Date of Decision \_\_\_\_\_  
\_\_\_\_\_ pages in English \_\_\_\_\_ pages in Farsi

\*\* CONCURRING OPINION of \_\_\_\_\_  
- Date \_\_\_\_\_  
\_\_\_\_\_ pages in English \_\_\_\_\_ pages in Farsi

\*\* SEPARATE OPINION of Judge Parviz Ansari  
- Date 18 Feb 88  
\_\_\_\_\_ pages in English 6 pages in Farsi

\*\* DISSENTING OPINION of \_\_\_\_\_  
- Date \_\_\_\_\_  
\_\_\_\_\_ pages in English \_\_\_\_\_ pages in Farsi

\*\* OTHER; Nature of document: \_\_\_\_\_  
\_\_\_\_\_  
- Date \_\_\_\_\_  
\_\_\_\_\_ pages in English \_\_\_\_\_ pages in Farsi

بنام خدا

DUPLICATE  
ORIGINAL

نسخه برابر اصل

پرونده شماره ۳۶۶  
شعبه سه  
حکم شماره ۳-۳۶۶-۳۲۵

IRAN UNITED STATES CLAIMS TRIBUNAL	دادگاه داوری دعوی ایران - ایالات متحدہ
ثبت شد - FILED	
Date	18 FEB 1988 ۱۳۶۶ / ۱۱ / ۲۹
No.	366

انڈو لبراتوریز، اینگورپوریتد،

خواهان،

- و -

جمهوری اسلامی ایران،

شرکت تجارتی تراسفارم،

شرکت ایران والاس،

[شرکت سهامی] داروپخش و بنیاد مستضعفان،

خواندگان.

### نظر جداگانه قاضی پرویز انصاری

قسمتهایی از رای حاضر، مرا بر آن می دارد که نظرات خود را درباره آنها به ثبت

برسانم (۱).

(۱) درخصوص صلاحیت دیوان بر شرکت تجارتی تراسفارم بعنوان واحد تحت کنترل ایران، بنظر اینجانب مدارک لازم در خصوص اثبات تحت کنترل بودن شرکت مزبور که طرف معامله موضوع دعوی است ارائه نگردیده است. مدارک ارائه شده که حکایت از تعیین سرپرست برای شرکت ایران والاس دارد بفرض آنکه وجود کنترل بر ایران والاس را ثابت کند تأثیری بر وضعیت شرکت تراسفارم نخواهد داشت. تلکس مورخ ۱۵ ژانویه ۱۹۸۰ دکتر نیلفروشان بخواهان که در رای به آن اشاره شده و به استناد آن استدلال گردیده که شرکت داروپخش در عمل، هر دو شرکت ایران والاس و تراسفارم را یک واحد تلقی می کرده است نیز دلیل کافی بر تحت کنترل بودن شرکت تراسفارم نیست؛ زیرا اولاً "تلکس مذکور فقط به ایران والاس اشاره دارد و در متن آن مطلبی که نتیجه گیری رای را تأیید کند وجود ندارد. ثانیاً نتیجه گیری رای مبتنی بر این فرض اثبات نشده است که خواهان فقط با تراسفارم معامله می کرده است.

۱- اکثریت بشرح مندرج در بندهای ۴۳، ۴۵ و ۵۰ رای، خواننده را متعهد به پرداخت مبلغ محموله سوم که بنا به ادعای خواهان به یک موسسه خیریه دولت مکزیک بلاعوض اهداء شده است می داند. با بررسی واقعیتها و مدارک پرونده معتقدم که دلائل کافی برای حصول چنین نتیجه‌ای موجود نیست و در تعیین میزان بدهی خواننده نیز تعبیر اکثریت را از مدارک درست نمی‌دانم.

۲- مقدماتاً لازم به ذکر است که دلیل قاطع و روشنی در اثبات اینکه اساساً کالائی بعنوان محموله سوم بمیزان و به ارزش مورد ادعای خواهان تولید شده باشد ارائه نگردیده است. خواننده ضمن مدافعات خود به این امر ایراد نموده است و ارائه دلیل از ناحیه خواهان در این خصوص، در صورت صحت ادعا و وجود دلیل، امری نسبتاً سهل بوده است. بالنتیجه عدم ارائه دلیل درمورد حاضر محمول بر عدم صحت ادعا خواهد بود.

۳- به فرض وجود محموله سوم، در خصوص اهداء آن به یک موسسه خیریه دولت مکزیک نیز هیچگونه دلیلی در پرونده وجود ندارد. علیرغم ایراد خواننده و تقاضای ارائه دلیل در جریان دادرسی مدرکی درخصوص تحقق این واقعه ارائه نشده و حتی تاریخ دقیق وقوع آن معین نگردیده است. خواهان بطورکلی ادعا می کند که این امر در بهار سال ۱۹۸۰ انجام شده است.

طبق اظهار خواهان و استدلال اکثریت، ارائه پروفورما و پیشنهاد فروش از طرف خواهان و قبول آن از طرف تراسفارم قرارداد تعهدآوری نسبت به کل داروهای موضوع پروفورما بین طرفین ایجاد کرد. نتیجه این استدلال آن است که داروهای محموله سوم در زمان اهداء ادعائی متعلق به خواننده بوده است. (بند ۵ ذیل)

با این حال مشاهده می کنیم با وجود آنکه طرفین در تاریخ موردبحث یعنی بهار ۱۹۸۰

با هم مکاتبه داشته‌اند (۲) و ضمن آن مکاتبات، مساله مطالبات خواهان عنوان گردیده است در عین حال به موضوع امکان فروش و یا اهداء اموال خوانده (داروهای محموله سوم) به غیر اشاره‌ای نشده است. با توجه به آنکه این مطلب از حیث مالی و تجاری و نتایج آن از حیث قانون حاکم از اهمیت فوق العاده‌ای برخوردار بوده است لذا بسیار مستبعد است در دوره‌ای که طرفین مکاتبه تجاری داشته‌اند خواهان خود را موظف

ندانسته یا فراموش کرده باشد در خصوص چنین مطلب مهمی، یعنی واگذاری و اهداء بلاعوض اموال خوانده به ارزش ۲۲۸،۰۰۰ دلار به غیر، اخطار موثری بدهد و بعد هم مطالبه وجه آن را از خوانده بنماید. لذا ادعای اهداء محموله سوم نه فقط ادعائی بدون دلیل است بلکه قرائن، خلاف آنرا حکم می‌کند.

۴- صرفنظر از صحت و سقم مساله اهداء داروها، عذری که برای آن ذکر گردیده است نیز قانع کننده نیست. تنها علت ظاهراً "سپری شدن مدتی از عمر مفید داروها بوده است. عمر مفید در مورد شربت ۳ سال و در مورد قرص پنج سال ذکر شده است. با قبول اظهار خواهان دائر بر اینکه داروها در دسامبر ۱۹۷۸ تولید شده بوده است این امر مستفاد می‌گردد که در زمان اهداء داروها هنوز بیش از ۱۸ ماه از عمر مفید شربت ها و سه سال و نیم از عمر مفید قرص ها باقی بوده است. بهرحال حتی اگر اهداء شربت ها بجهت خوف فساد آنها محملی داشته باشد در مورد قرص ها که عمر مفیدشان در زمان اهداء ادعائی از عمر مفید شربت ها در زمان تولید هم بیشتر بوده است، هرگز چنین فوریتی وجود نداشته است.

۵- مطلب مهمی که در نظر اکثریت، مسکوت مانده و یا برای آن اهمیتی قائل نشده‌اند آنست که خواهان تحت عنوان و حکومت چه قانون حاکمی مبادرت به چنین عملی کرده است، و ضوابط و یا آثار آن قانون حاکم مجهول کدام است. بفرض که هر فروشنده محتاط و متعارفی، در شرایط و یا تحت قوانینی که او را مجاز به تخفیف و تقلیل ضرر

---

(۲) تلکس های مورخ ۱۸ و ۳۰ مارس ۱۹۸۰ خوانده که در تلکس اخیر به تلکس شماره ۱۹ مورخ ۲۰ مارس ۱۹۸۰ خواهان اشاره گردیده است.

می کند، مکلف به چنین امری باشد باید حداکثر تلاش عقلانی و متعارف خود را در جهت نیل به چنین تقلیلی بکار گیرد. در پرونده حاضر، قویا<sup>۶</sup> معتقدم:

اولا<sup>۷</sup> - اگر خواهان تکلیفی به انجام چنین تعهدی در جهت تقلیل ضرر داشته است، خواه متنی بر عرف و یا قانون، چنین تعهدی را صححا<sup>۸</sup> ایفا نکرده است، زیرا اهدا<sup>۹</sup>

مال التجاره نه تنها در جهت تخفیف ضرر نیست بلکه موجب تثبیت ضرر و تحمیل آن بر عهده خوانده است.

ثانیا<sup>۱۰</sup> - اگر خواهان تکلیفی به انجام چنین کاری در جهت تقلیل ضرر نداشته است عمل وی در اهدا<sup>۱۱</sup> مال التجاره به غیر، نقض اساسی تعهد قراردادی او و موجب مسوولیت فروشنده در قبال خریدار است.

۶ - حتی با فرض بعید در توجیه عمل خواهان در اهدا<sup>۱۲</sup> محموله سوم، باز هم تفسیر اکثریت از نامه مورخ ۲۳ آوریل ۱۹۸۱ خواهان(۳) که طی آن طلب خود را بابت این محموله ۸۰،۷۷۳/۰۸ دلار اعلام کرده و محکوم کردن خوانده به مبلغی بیش از دو برابر آن در خصوص همین قسمت از دعوی، تاسف آور است.

معنی عادی و روشن نامه فوق، اعلام صورتحساب مطالبات متصوره خواهان از خوانده و

---

(۳) متن کامل نامه مذکور، مندرج در پیوست شماره ۳۰ مدرک شماره ۱۲، بدین شرح است: "به منظور تجدید معاملات تجاری فیما بین در آینده نزدیک، به پیوست صورتحساب مشروح شرکت تجاری تراسفارم ایفاد می گردد.

همانطور که ملاحظه می شود، تراسفارم هنوز مبلغ ۸۰،۱۵۹/۵۶ دلار به اضافه ۸۰،۷۷۳/۰۸ دیگر بابت بهای محصولاتی که مخصوصا<sup>۱۳</sup> برای آن شرکت تولید شده و در سال گذشته مجبور شدیم آنها را به یک موسسه خیریه بدهیم، به این شرکت بدهکار است. از مشکلات و هزینه انبارداری طولانی محصولات مزبور سخنی به میان نمی آوریم.

باعث امتنان خواهد بود که در مورد ارقام بدهی مذکور با ما تماس حاصل فرمائید تا بتوانیم با تسویه این بدهی به روابط بازرگانی فیما بین ادامه دهیم."

امیدواری به از سرگیری روابط تجاری در صورت تسویه مطالبات فوق است. تعبیر اکثریت از یک عبارت در صدر نامه فوق به اینکه ذکر رقم ۸۰،۷۷۳/۰۸ دلار یک پیشنهاد سازشی و " به منظور تجدید معاملات تجاری " بوده است، عدم توجه به منطوق اساسی نامه است.

در نامه مزبور به مبلغ فوق تحت عنوان "صورتحساب مشروح شرکت تجاری تراسفارم" و "اqlام بدهی" اشاره رفته است، که برخلاف نظر اکثریت نشان دهنده اعلام حساب و بدهی قطعی و بدون قید و شرط است.

بعلاوه تلکس های متبادله بین طرفین نشان دهنده آن است که خواننده خود ذیعلاقه به داشتن مبادلات تجاری با خواهان بوده و این مطلب را اعلام کرده است و توجه به ذیل نامه ۲۳ آوریل ۱۹۸۱ خواهان در آنجا که می گوید "...تا بتوانیم با تسویه این بدهی به روابط بازرگانی فیما بین ادامه دهیم" جای این تعبیر را باز می گذارد که این درواقع خواهان است که در قبال ابراز علاقه خواننده به ادامه روابط تجاری، تسویه بدهی موصوف را بعنوان پیش شرط شروع چنین رابطه ای مطرح می کند.

۷- با توجه به آنچه گفته شد، خواننده مسئولیتی در ارتباط با کالائی تحت عنوان محموله سوم ندارد. حتی اگر بفرض بتوان تعهدی بر خواننده در این خصوص تحمیل نمود آن تعهد محتمل، از موضوع نامه ۲۳ آوریل ۱۹۸۱ (پانویس ۳ فوق) فراتر نخواهد رفت.

۸- درمورد مخالفت با پرداخت بهره و موافقت با عدم تعلق هزینه های داوری نیازی به تکرار نظرات سابق خود نمی بینم. رجوع کنید به مک کالو اند کامپنی اینکورپوریتد و وزارت پست و تلگراف و تلفن و دیگران حکم شماره ۳-۸۹-۲۲۵ نظر جداگانه قاضی پرویز انصاری و همچنین ا.ا.اسپالدینگ اینکورپوریتد و وزارت راه و ترابری جمهوری اسلامی ایران، حکم شماره ۳-۴۳۷-۲۱۲ نظر موافق قاضی انصاری. نکته ای را که در این خصوص باید اضافه نمایم آنست که تاریخ مبداء احتساب بهره بویژه درباره محموله سوم را نباید از

تاریخی مقدم بر تاریخ ۲۳ آوریل ۱۹۸۱ محاسبه نمود زیرا بفرض صحت ادعای خواهان و استدلال دیوان بر آماده بودن مال التجاره فوق برای حمل، مطالبه وجه آن قبل از تاریخ نامه موصوف، صورت پذیرفته است.

لاهه، ۲۹ بهمن ماه ۱۳۶۶



پرویز انصاری